



فلسفه اسلامی سینه به سینه منتقل شده تا به دست ما رسید/ حوزه فلسفی و عرفانی تهران احیا شود

یک محقق عرفان و فلسفه اسلامی، صبح امروز 18 دی ماه در نشست حکیم طهران با بیان اینکه فلسفه اسلامی سینه به سینه بین استادان و شاگردان گشته تا به دست ما رسیده است، گفت: اکنون حوزه علمیه تهران رو به افول است و فقط چندین استاد در قید حیات هستند که باعث شدند سلسله اساتید به علمای قدیم متصل باشد. باید با احیای حوزه تهران کاری کنیم که این ارتباط گسسته نشود.

یک محقق عرفان و فلسفه اسلامی، صبح امروز 18 دی ماه در نشست حکیم طهران با بیان اینکه فلسفه اسلامی سینه به سینه بین استادان و شاگردان گشته تا به دست ما رسیده است، گفت: اکنون حوزه علمیه تهران رو به افول است و فقط چندین استاد در قید حیات هستند که باعث شدند سلسله اساتید به علمای قدیم متصل باشد. باید با احیای حوزه تهران کاری کنیم که این ارتباط گسسته نشود.

منوچهر صدوقی سها محقق و نویسنده فلسفه و عرفان اسلامی، صبح امروز 18 دی ماه در نشست حکیم طهران در حوزه علمیه امام رضا(ع) با بیان اینکه عنوان مکتب تهران، عنوان درست و رسایی نیست، گفت: این اطلاق مطلقا درست نیست. همان عبارت حوزه تهران را باید اطلاق کنیم. در حوزه تهران که مکتب خاصی وجود ندارد، امروز این داستان تفکیک که در مملکت ما متداول شده بدون اینکه بخواهم وارد ماهیت آن شوم، عنوان مکتب تفکیک هم نادرست است.

وی افزود: باید افراد با فکر واحد و اصول عقیدتی واحدی جمع شوند و یک حرف را بزنند. اولاً در حوزه تهران این گونه نبوده است. حوزه تهران صرفاً واجد مکتب مثلاً مشائی نبود یا صرفاً اشراقی یا صرفاً متعالیه یا صرفاً عرفانی نبود. حوزه تهران جامع جمیع آنها بود.

این استاد فلسفه اسلامی در ادامه سخنانش با انتقاد از این عقیده که حوزه اصفهان به تهران منتقل شده است، تصریح کرد: چنین اتفاقی نیفتاده است. برخی از علما و حکما از شهرهای مختلف از جمله در ابتدا از اصفهان به تهران مهاجرت کردند و حوزه جدیدی تأسیس کردند اما این گونه نبود که حوزه اصفهان سقوط کند و مضحمل بشود و حوزه تهران به وجود آمد، بلکه حوزه اصفهان به فعالیت خود همچنان ادامه می داد.

وی با تأکید بر اینکه چندین خصوصیت در حوزه تهران وجود دارد که مخصوص به خودش است، تصریح کرد: اولین حکیمی که از حوزه اصفهان به تهران آمد ملاعبدالله زنوزی پدر آقاعلی مدرس زنوزی است که داستان چگونگی ورود ایشان به تهران معروف است و در کتابها هم آمده است. بعد از او سیدالعرفا آقاراضی لاریجانی و محمدرضا قمشه ای به تهران آمدند و پسر آخوند نوری، میرزاحسن نوری و ... میرزای جلوه و میرزا حسین سبزواری و ... آمدند که این حوزه را تشکیل دادند. اولین مشخصه عمده این حوزه این است که اهل حکمت از بلاد مختلف به تهران آمدن حتی از حوزه سبزواری که در آن زمان مهم بود.

صدوقی سها در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه حکمای اربعه دو اعتبار دارد، گفت: یک حکمای اربعه به اعتبار زمان و یک حکمای اربعه به اعتبار مکان داریم. چهار حکیم در تهران بودند، آقامحمدرضا قمشه ای، میرزای جلوه، میرزاحسین سبزواری و آقاعلی مدرس زنوزی به این اعتبار که همزمان در تهران بودند. اما به اعتبار دیگری میرزاحسین سبزواری کنار می رود و حاج ملاهادی سبزواری به آنها اضافه می شود که به اعتبار زمانشان است علی رغم اینکه با هم در تهران نبودند.

وی با برشمردن نام علمایی که از شهرهای مختلف به تهران آمدند، تصریح کرد: حتی از نجف اشرف برای تحصیل به تهران می آمدند. دو برادر معروف شیخ عبدالکریم جزایری و شیخ محمدجواد جزایری از اساتید برجسته ای بودند که باعث می شدند که طلاب حوزه نجف بیایند تا از محضر این بزرگواران استفاده کنند.

وی افزود: یک مشخصه دیگر حوزه تهران که مهم است این است که آشنایی ایرانیان با فلسفه غربی در همین حوزه اتفاق افتاد. کنت دو گوینیو، مستشار فرانسوی که به تهران آمده بود به خدمت آقاعلی مدرس زنوزی می رسد. اولین متنی که در مورد فلسفه های غربی در ایران نوشته شده است سیر حکمت در اروپا اثر فروغی نیست، قبل از ترجمه گفتار در روش به کار بردن عقل اثر دکارت، نوشته ها و سخنرانیهایی در دسترس هست. در سال 1319 وثوق الدوله در دانشکده معقول و منقول، درباره کانت سخنرانی می کند که بسیار جالب و دیدنی است. یا مثلاً شخص دیگری شیخ محمدحسن بابانی برادر علامه سمعانی، نقدی بر شوپنهاور دارد که اگرچه حجم آن کم است. آشنایی ایرانیان با فلسفه جدید غرب از برکات حوزه تهران است.

صدوقی سها با اشاره به اینکه یک مشخصه دیگر جامعیت حوزه علمیه تهران است، گفت: حکمت مشاء، اشراق، متعالیه و عرفان، کلام، ریاضی و حتی موسیقی در آن هست. حکمای سرشناسی را در حوزه تهران می شناسم که به لحاظ عرفانی در اوج هستند اما موسیقی می دانستند. علم ما به هو علم که بد نیست شاید متعلق آن حرام و نادرست باشد. حتی موسیقی نظری هم در حوزه تهران تدریس می شده است.

وی با اشاره به اینکه مدرسین این نحله های مختلف پیش اساتید برجسته تعلیم دیده بودند، افزود: این امکان وجود ندارد که بتوان عرفان و فلسفه اسلامی را بدون تعلیم دیدن در نزد استادان برجسته بتوان تعلیم داد. بنابراین سلسله اساتید اینها به علما و حکمای قدیم بر می گردد.

وی در ادامه سخنانش با اشاره به این سلسله گفت: فلسفه اسلامی سینه به سینه بین استادان و شاگردان گشته تا به دست ما

رسیده است. حتی من معتقدم شیخ الرئیس با یکی - دو واسطه شاگرد فارابی بوده است و اتصال فارابی به اسکندریه جای شک و تردید ندارد. بنابراین اتصال حکمت اسلامی ایرانی به یونان باستان قطعی و بدون واسطه است اما اکنون حوزه علمیه تهران رو به افول است و فقط چندین استاد در قید حیات هستند که باعث شدند این سلسله اساتید هنوز متصل باشد. باید با احیای حوزه تهران کاری کنیم که این ارتباط گسسته نشود.